

به نام یزدان پاک

سند همکاری های راهبردی ۲۵ ساله ایران و چین

و ترفندهای امریکائی

تفاهمنامه همکاری های جامع ۲۵ ساله ایران و چین در ۷ فروردین ۱۴۰۰ برابر با ۲۷ مارس ۲۰۲۱، به امضای وزرای خارجه دو کشور جمهوری اسلامی ایران (محمدجواد ظریف) و جمهوری خلق چین (وانگ یی) رسید؛ سندی که به منظور عملیاتی کردن بند ششم بیانیه مشترک رؤسای جمهور دو کشور در دی ماه ۱۳۹۴/ژانویه ۲۰۱۶ با هدف ارتقای عملی روابط دو کشور در سطح مشارکت جامع راهبردی و فراهم کردن بستر توسعه همه جانبه همکاری های دو کشور تدوین شده است.

نکته قابل تأملی که در این بین خودنمایی می کند آن است که متعاقب امضای متن سند همکاری های جامع ۲۵ ساله، موجی از اخبار منفی و مخرب در پرتو تحلیل های غیر واقع بینانه و مغرضانه با هدف تشویش اذهان عمومی، ایجاد انشقاق در جامعه داخلی و زیر سؤال بردن تفاهم تاریخی میان پکن و تهران مطرح شده و لازم است تا با بررسی مفاد موجود در سند همکاری ایران و چین، با رویکردی واقع بینانه و کارشناسانه، تصویری واقعی و عینی از تفاهمنامه امضاء شده ارائه گردد.

همکاری های جامع ۲۵ ساله صرفاً یک نقشه راه برای همکاری های جامع دو کشور بوده و حاوی هیچ قراردادی نیست. بنابراین در هیچ کجای سند مذکور هیچ گونه کمی سازی در خصوص چشم انداز همکاری های اقتصادی، سیاسی،

فرهنگی و یا راهبردی صورت نگرفته و حاوی هیچ عدد و رقم خاصی از جمله در مورد سرمایه‌گذاری و منابع پولی و مالی نیست. در این سند، واگذاری هیچ منطقه و یا انحصار متقابل و یک‌جانبه‌ای به امضای وزرای خارجه دو کشور نرسیده و سند مزبور حاوی واگذاری مدیریت، اداره و یا بهره‌برداری هیچ منطقه و حوزه‌ای نیز نیست، بلکه با توجه به مزیت‌های همکاری دوجانبه، تلاش در جهت مقاوم‌سازی جمهوری اسلامی ایران در مقابل سیاست فشار حداکثری مجموعه غرب، توجه و تمرکز بر موقعیت تمدنی و نقش ژئوپلیتیکی دو کشور و همچنین جایگاه پکن و تهران در بازارهای اقتصادی و انرژی تبعیت می‌نماید، از این رو می‌توان چنین اظهار داشت که الگوی حاکم بر روابط جمهوری اسلامی ایران و جمهوری خلق چین، راهبرد بُرد - بُرد است.

از بعد راهبردی، ارتقای سطح همکاری‌های مشترک در موضوعات موردنظر و در نهادهای منطقه‌ای و بین‌المللی مد نظر دو کشور است. در بُعد اقتصادی نیز دو کشور به دنبال همکاری در حوزه‌های نفت، صنعت و معدن و حوزه‌های مرتبط با انرژی هستند. شایان‌ذکر است که در سند مذکور بر مشارکت جمهوری اسلامی ایران در ایده "یک پهنه - یک راه" چین و همکاری در توسعه مناطق ویژه و آزاد، از جمله در سواحل مکران تأکید شده است. دو کشور همچنین قصد دارند همکاری‌های مالی، بانکی، گمرکی و زیرساختی و ارتباطی را با تکیه بر توسعه سرمایه‌گذاری و تأمین مالی پروژه‌ها گسترش دهند. همچنین در این سند ابعاد فرهنگی و ارتباطی مورد اشاره قرار گرفته و به افزایش تبادل گردشگر و مراودات رسانه‌ای، دانشگاهی و سازمان‌های مردم‌نهاد اشاره شده است. توجه به این نکته نیز خالی از لطف نیست که معمولاً سند راهبردی مشارکت

های چین با سایر کشورها، به عنوان بخشی از دیپلماسی کلان جمهوری خلق چین با کشورهای مهم و هدف می باشد که بر اساس پنج اصل اساسی:

. احترام متقابل به تمامیت ارضی و حاکمیت کشور مقابل؛

. عدم تعرض متقابل؛

. عدم دخالت در امور داخلی یکدیگر؛

. رابطه بُرد - بُرد دوجانبه؛

. همزیستی مسالمت آمیز، تدوین و طراحی شده است.

علاوه بر جمهوری اسلامی ایران، اندونزی، استرالیا، آفریقای جنوبی،

الجزایر، بلاروس، مجارستان، مغولستان، انگلستان، مالزی، ازبکستان،

تاجیکستان، آرژانتین، ایتالیا، ونزوئلا، مصر و برزیل، از جمله کشورهایایی

هستند که در این سطح از همکاری با جمهوری خلق چین قرار دارند.

بنابراین، بدیهی است که دولت ایالات متحده تلاش دارد که با تمام قوا و با

استفاده از همه امکانات رسانه ای و دیپلماتیک خود برای مقابله با همکاری

ایران و چین تلاش نماید. دولت امریکا می داند که امروزه چین در حال تبدیل

شدن به یک قدرت جهانی است و همه پیش بینی ها نشان می دهد که به زودی

امریکا را به لحاظ اقتصادی و فن آوری در یک **نظم نرم نوین جهانی** پشت سر

خواهد گذاشت. از سال ۲۰۱۰ که اوباما سیاست اتحاد همه کشورها جز چین را

اعمال کرد، چین نیز «**سیاست همه جز آمریکا**» را اعلام کرد. تا آن روز،

غرب همواره ژاپن را رقیب اصلی خود می دانست. اما اکنون چین را رقیب

اصلی خود می داند. از این رودامن زدن به بحث چین هراسی در ایران در

واقع اقدامی دفاعی از سوی آمریکا و غرب علیه نظم جدید بین المللی است،
نظمی که می تواند بستر لازم را برای تقویت قدرت ایران در نظام بین الملل
فراهم آورد و دامنه فشار و تهدیدات امنیتی و اقتصادی امریکا را علیه ایران
کاهش دهد. امریکا می داند، سند همکاریهای جامع ایران و چین بر سه محور
مهم متمرکز است؛

اول، همکاریهای جامع دو کشور در امور سیاسی.

دوم، تمرکز بر همکاریهای دفاعی و امنیتی؛

سوم، همکاریهای جامع اقتصادی؛

در سند جامع، در حوزه اقتصادی، تمام نیازهای ایران به تکنولوژی و فن
آوری و ایجاد زیر ساخت ها دیده شده است. این ادعاها ناشی از جنگی
زیرساختی است که یک طرف آن چین و طرف دیگر آن ایالات متحده آمریکا،
استرالیا، هند و ژاپن هستند و این کشورها در مقابل چین، صف آرایی کرده اند.
موج تبلیغات غربی علیه ایران و چین، به حدی قوی است که پس از انتشار خبر
تفاهمنامه ایران و چین بسیاری از رسانه های تحت نفوذ غرب و امریکا در
سطح منطقه و جهان، شروع به مخالف خوانی و برداشت های منفی کرده و تلاش
کردند به مردم تلقین کنند که چین کشوری خطرناک است. عمده نگرانی غرب
در این زمینه به قدرتمند شدن دو کشور ایران و چین در شرایط جدید و تقویت
محور شرق بازمی گردد، زیرا **عصر پسا کرونا را عصر شرق می نامند** و این
مساله خوشایند آمریکا و غرب نیست. لذا بیشترین خط تخریب علیه مناسبات
تهران- پکن از سوی این جریان ساماندهی شده است.

ایران با توسعه نگاه به شرق، ضمن مقابله با تحریم های ظالمانه آمریکا و غرب، کشور را در مسیر پیشرفت و حرکت روبه جلو در حوزه اقتصاد و فن آوری قرار داده است. می دانیم که چین این اقتصاد بزرگ دنیا نیاز به انرژی دارد و ایران می تواند نیاز چین را به انرژی در درازمدت برطرف کند و از طرفی چینی ها می توانند نیازهای اقتصادی و فن آوری و تکنولوژیک ما را در این شرایط سخت تحریم تامین نمایند. بی شک همکاری همه جانبه چین و ایران می تواند در انتقال قدرت از غرب به شرق و کاهش مخاطرات و تهدیدات امریکا علیه کشورهای مستقل و پیشگیری از گسترش ناتو به شرق بسیار موثر باشد. همکاری همه جانبه و مشارکتی ایران و چین، در چند حوزه به افزایش قدرت و عمق استراتژیک ایران کمک خواهد کرد:

- ۱- کاهش فشار تحریم ها و فراهم شدن شرایط برای عبور و خنثی سازی تحریم های گسترده آمریکا و هم پیمانان آن.
- ۲- فراهم شدن زمینه برای توسعه اقتصادی کشور از طریق تقویت صادرات نفتی و غیرنفتی به چین و تسهیل شدن زمینه واردات آخرین فن آوریها و تکنولوژی به ایران.
- ۳- تقویت مواضع ایران در عرصه بین المللی، همکاری راهبردی با چین، جایگاه ایران در سطح جهانی و مجامع بین المللی را تقویت خواهد کرد. چین عضو شورای امنیت سازمان ملل است، ایران می تواند با تکیه بر شرق، فشارهای غربی ها را در مجامع بین المللی به حداقل برساند.
- ۴- تقویت جایگاه ایران در گفت و گوهایی هسته ای با غرب، چین به عنوان عضو شورای امنیت در کنار روسیه، می تواند به تقویت مواضع صلح

آمیزه‌سته ای ایران و ممانعت از سیاسی تر کردن مسائل فنی و تکنیکی
علیه کشور بسیار اثرگذار باشند.

از سوی دیگر، ایران در شرایط کنونی و در جهان پسا کرونا بازیگر قدرتمندی
است. تقویت نگاه به شرق ضمن ایجاد توازن در سیاست و روابط خارجی، یک
اثر مهم خواهد داشت و آن کاهش قدرت هژمونی آمریکا در خاورمیانه خواهد
بود، به عبارتی ایران در انتقال قدرت از غرب به شرق می تواند بسیار نقش
آفرین و اثر گذار باشد.

از نگاه آمریکا نزدیک تر شدن ایران و چین به تقویت اقتصاد ایران در مقابل
تاثیر مجازات های آمریکا کمک می کند و در عین حال پیام روشنی از اهداف
تهران را به دولت آمریکا نشان می دهد و تلاش های واشنگتن برای انزوای
تهران را ناکام می گذارد. آمریکا می داند که شراکت با چین، به ایران این اجازه
را می دهد که پشتوانه بزرگی را برای اقتصادش داشته باشد و بتواند با
ارزهایی غیر از دلار داد و ستد کند که این امر موجب می شود تحریم های
آمریکا علیه مردم ایران بی اثر شود.

واشنگتن در پی آن است تا با سیاست های نرم، چین، روسیه و ایران را
محاصره کند، همکاری راهبردی ایران و چین و روسیه، در واقع میخی به
تابوت استیلای امپریالیستی آمریکا در غرب آسیاست. عوامل مهمی چون
موقعیت جغرافیایی ایران که می تواند در پیشبرد ابتکار «یک پهنه - یک راه»
به شیوه ای سریع تر و کم هزینه تر به چین کمک کند، منابع انرژی، با توجه به
نیازمندی های روز افزون انرژی پکن به گونه ای که طبق پیش بینی ها تا سال
۲۰۳۰ حدود هفتاد درصد انرژی چین از منطقه خاورمیانه تأمین خواهد شد،

بازار بالقوه ایران و از همه مهم‌تر همسویی کلان سیاست خارجی ایران و چین، سبب می‌شود، توسعه همکاری میان دو کشور به امری قابل‌انتظار تبدیل شود. کما اینکه با نگاه به گذشته نیز می‌توان دریافت نیازمندی‌های مشترک محرک حفظ و تداوم روابط پکن- تهران بوده است.

در این میان، تردیدی وجود ندارد که متأثر از رقابت‌های چین و آمریکا، مقامات و اشنگتن و البته رسانه‌های ضد چینی، نقش زیادی در تبلیغات و گسترش چین‌هراسی در سرتاسر جهان داشته‌اند. به‌عنوان مثال، طرح مفاهیمی چون ایجاد «تله بدهی»، از جمله اقداماتی است که به دنبال ایجاد این‌هراس در میان کشورهای مقصد ابتکار «یک پهنه - یک راه» مطرح شده که طبق آن هرگونه همکاری اقتصادی با چین به باج‌دهی سیاسی منجر خواهد شد.

اگرچه نمی‌توان منکر نقش تبلیغات ضد چینی در این شکل‌گیری بدبینی‌ها بود، اما اقدامات گذشته چین، نقشی موثر در این شیوه تفکر و بدبینی داشته است. به‌طور کلی این تصور در میان ایرانیان پذیرفته شده که در زمان اوج فشارها با وجود نگاه به شرق در سیاست خارجی کشور، پکن، آن‌گونه که باید، اقداماتی مهم به منظور کاهش فشارهای اقتصادی علیه مردم صورت نداده است. مهم‌ترین اقدامی که چین باید صورت دهد این است که با اقدامات مثبت از گسترش چین‌هراسی و بدبینی افکار عمومی نسبت به خود بکاهد. به‌طور طبیعی ذهن هر شهروند ایرانی در روابط با پکن با این پرسش‌ها مواجه می‌شود که آیا چین نیز نسبت به توسعه همکاری با ایران جدیت دارد؟ چرا این همه سخن از همکاری با کشور دوست و همکاری با چین مطرح می‌شود ولی، در عمل درزندگی آن‌ها

تأثیری نداشته است؟ در صورتی که پکن بخواهد روابط خود با ایران را توسعه دهد، مقامات چینی باید به موضوع بدبینی تاریخی ایرانیان نسبت به دولت‌های خارجی حساس باشند. همین بدبینی تاریخی، نقش زیادی در دوری از آمریکا در شرایط کنونی ایفاء کرده است. بر همین اساس، در شرایط کنونی پکن می‌تواند با انجام اقداماتی مانع شدت‌گیری ذهنیت منفی بیشتر شود. چراکه این امر، در صورت تأخیر می‌تواند به عاملی مهم در ممانعت از همکاری‌های اقتصادی دو

کشور حتی با وجود خواست و اراده رهبران و تصمیم‌گیران دو طرف تبدیل شود. آزادسازی منابع مالی ایران، سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های ایران به‌گونه‌ای که مردم به صورت ملموس تأثیرات آن را در زندگی خود احساس کنند، تسهیل امکان تجارت کلان و خرد، تسهیلات ترددی و ویزائی و گسترش گردشگری، بویژه گردشگری تخصصی و تبادل دانشجوی و تقویت بورس‌های تحصیلی و رفع مشکلات تجار ایرانی و رفع مسدودی حساب‌های بانکی بنگاه‌ها و شرکت‌های ایرانی، تا حدی می‌تواند این نقیصه را برطرف سازد و گردش اطلاعات با هدف شناخت ظرفیت‌های واقعی دو طرف را ممکن‌تر سازد. البته طرف ایرانی هم باید بداند که مواجهه شرکت‌های چینی با مجازات و تحریم‌های احتمالی آمریکا در صورت همکاری با ایران، محدودیت‌های بانکی، سیاست خاورمیانه‌ای پکن مبنی بر دوری و نزدیکی برابر به تمام طرف‌ها، که از جمله این محدودیت‌ها به شمار می‌روند، باید ما به ازاء قابل اتکائی به پکن پیشنهاد نماید.

یادمان باشد که پس از موضوع سند ۲۵ ساله همکاری ایران و چین، مبحث توافق بلندمدت بین تهران و مسکو مطرح شد؛ اتفاقی که خبر چندان خوشی برای کاخ سفید و تداوم راهبرد فشار حداکثری آن قلمداد نمی شود. پس مسلم است که این همکاری در محور شرق، موج تبلیغات منفی را علیه این کشورها روانه خواهد کرد.

خلاصه آنچه مسلم است آنکه؛ هر نوع ارتباطی با چین و روسیه به خودی خود بد یا خوب نبوده و الزاما به معنای "رستگاری اقتصادی" و یا «تله بدهی» یا «استعمار هوشمند» نیست، بلکه یک بده – بستان عقلانی در "هویت نوین آسیائی" و "نظم جدید بین المللی" است.

پایان

شهریور ماه ۱۴۰۱